

مسئولیت مدنی دولت در برابر حوادث زیست محیطی با نگاهی فقهی از منظر جامعه‌شناسی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۵

محمد حبیب‌اللهی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۰

دکتر امیر خواجه زاده^۲

چکیده

اهمیت جبران مناسب خسارت‌های زیست محیطی اخیراً توجه بیشتر حقوقدانان را به خود معطوف داشته است. پیچیدگی‌های ماهیت خسارت‌های زیست محیطی و جبران آنها از طریق مبنایی مناسب می‌تواند از دلایل مهم اختلاف نظرهای حقوقی موجود برای جبران این زیان‌ها باشد. در این نوشتار با عنوان «مبنایی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست محیطی»، به شیوه‌ی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که آیا دولت نیز مانند سایر اشخاص تنها زمانی مسئول جبران خسارت‌های زیست محیطی است که بین فعل یا ترک فعل او و ورود زیان رابطه‌ی سببیت برقرار باشد؟ و اینکه استفاده از کدام مبنا برای جبران آلودگی‌های زیست محیطی توسط دولت مناسب‌تر است؟ از آنجا که دولت حافظ منافع عموم است و مردم نیز به موجب قوانین و مقررات مختلف حق برخورداری از محیط زیست سالم را دارند، در شرایطی جبران زیان‌هایی که منتسب به دولت نیست، ضروری به نظر می‌رسد. زمانی که آلودگی‌های زیست محیطی منتسب به دولت باشد، در نظر گرفتن مسئولیت محض برای دولت در جبران خسارت، موجب سهولت در دادرسی و جبران بهتر خسارت‌های زیست محیطی می‌شود.

کلیدواژه: آلودگی‌های زیست محیطی، حوادث زیست محیطی، دولت، مسئولیت مدنی، منافع

عموم، مبنایی مسئولیت مدنی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا دانشگاه ادیان قم

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد دامغان (نویسنده مسئول)

مسئولیت مدنی دولت به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است. بنابراین هر جا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد، در آن جا مسئولیت مدنی وجود دارد. در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ تعریفی از مسئولیت به میان نیامده و مسئولیت شخص را منوط به عمد یا تقصیر شخص حقیقی یا حقوقی اعم از اشخاص عادی یا کارمندان دولت آورده و سخنی از قوای قاهره در تحقق مسئولیت مدنی دولت آورده نشده. بر مبنای مسئولیت مدنی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده، رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید، که همان جبران خسارت است؛ بنابراین مسئولیت مدنی دولت در معنی عام و وسیع هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد. زیرا در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت است. اما تفاوت اساسی این دو با هم برمی‌گردد به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین. قلمرو مسئولیت مدنی از جایی آغاز می‌شود، که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست، در حالی که مسئولیت قراردادی مسئولیتی است، که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید؛ به عبارت دیگر مسئولیت قراردادی به این معنی است، که کسی که به عهد خود وفا نکرده و باعث ضرر طرف قرارداد خود شده باشد، باید زیان وارده را جبران نماید پس میتوان در اینجا ضمان را به مفهوم عام در غالب ضمان قهری دولت در قبال حوادث غیر مترقبه آورد.

دولت در انجام تعهداتی که نسبت به محیط زیست دارد ملزم به جبران خسارات وارده به زیان دیده می‌باشد تا روزی زمینی عاری از هر گونه آلودگی، تخریب و آسیب داشته باشیم. به امید زمینی پاک.

تعریف آلودگی :

آلودگی عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب ، هوا ، خاک به میزانی که کیفیت فیزیکی ، شیمیایی و یا بیولوژیکی آن را به گونه ای تغییر دهد که به حال انسان ، سایر موجودات و آثار و ابنیه مضر باشد . طبق این تعریف آلودگی لزوما شامل خسارات فیزیکی نمی باشد . ایجاد وقفه در فعالیتهای انسانی خود آلودگی است . مثلا یک دریاچه را که نمی توان برای قایق سواری مورد استفاده قرار داد را آلوده می خوانند .

منابع آلودگی :

الف : طبیعی : مثل فعالیت آتش فشان ها ، زلزله ، سیل

ب: مصنوعی : رشد جمعیت ، وسایل نقلیه موتوری و صنایع

انواع آلودگی

آلودگیهای محیط زیست به دو دسته تقسیم می شوند :

- الف (آلودگیهای غیر قابل تجزیه : مانند پلاستیک ، لاستیک های سنتیک و)
- ب (آلودگیهای قابل تجزیه : مواد آلی مثل فاضلاب انسانی و زایدات حیوانی و کشاورزی (لاشه حیوانات و انسان)

انتشار آلودگی بر حسب منبع آلودگی

- الف (منابع آلودگی مشخص ، نقطه ای یا کانونی : مثل ورودی فاضلاب و یا دودکش کارخانه که به صورت عینی باعث آلودگی هوا می شود .
- ب) منابع آلودگی غیر مشخص ، غیر نقطه ای یا غیر کانونی : مثل گازها و دودهای موجود در خیابان که به صورت عینی دیده می شود .

اثر آلودگی محیط زیست بر فرآیند توسعه

آنچه تا کنون مورد بررسی قرار گرفت حاکی از آن است که فعالیت اقتصادی باعث ایجاد درآمد و ثروت می شود اما بر محیط زیست اثر منفی می گذارد این آثار همگام با رشد جمعیت تشدید می شود زیرا با افزایش جمعیت، مصرف انرژی و در نتیجه آلودگی هوا (انتشار گازهای گلخانه ای) بیشتر می شود. از اینرو بررسی ها بیانگر یک رابطه علیک طرفه از سطح فعالیت های اقتصادی به آلودگی بوده است اما جهت علیت بین سطح در آمد و کیفیت محیط زیست لزوماً یک سویه و از درآمد به کیفیت محیط زیست یا آلودگی نیست و می تواند دو سویه باشد. زیرا افزایش مشکلات زیست محیطی و از بین رفتن منابع با ارزش طبیعی علاوه بر اینکه بقای انسانی در کره زمین را تهدید می کند می تواند بطور مستقیم موجب کاهش رشد و توسعه اقتصادیدرکشورها گردد.

هم چنین آلودگی هوا می تواند بر سلامت افراد جامعه اثر گذاشته و بدین ترتیب یکی از عوامل مهم در افزایش نرخ مرگ و میر و کاهش سالهای امید به زندگی باشد و از آنجائیکه سلامت یکپاز اجزای اصلی توسعه یافتگی جوامع می باشد و در سنجش شاخص توسعه انسانی با مؤلفه امید به زندگی مورد استفاده قرار می گیرد از اینرو می توان اینگونه بیان کرد که آلودگی هوا می تواند بطور غیر مستقیم از طریق اثرگذاری بر امید به زندگی بر شاخص توسعه انسانی تأثیر گذار باشد و به دلیل اثر مخرب آلودگی بر سلامت افراد جامعه و کاهش امید به زندگی ، سطح این شاخص نیز کاهش یابد.

مسئولیت مدنی دولت در برابر خسارات زیست محیطی

براساس گزارش جهانی، ایران هفتمین کشور اول آسیب‌پذیر جهان در حوادث طبیعی است. وجود سی و یک نوع رخداد طبیعی از چهل گونه حوادث طبیعی شناخته‌شده در دنیا و بروز ۱۵۳۶ زلزله شدید و خفیف در دهه ۱۳۷۰-۸۰ و بیش از ۷۱۲ مورد حوادث طبیعی دیگر در همین مدت، ضرورت توجه و برنامه‌ریزی و انجام طرح‌ها و پژوهش‌هایی در حوزه‌های مختلف را مورد تأکید قرار می‌دهد.^{۲)}

به طور کلی مسئولیت مدنی دولت؛ «الزام دولت است نسبت به شخص زیان‌دیده در پرداخت غرامت زیان وارده به او که ناشی از عمل غیرقانونی منتسب به دولت یا عمل غیرقانونی او (دولت) بوده و یا تکلیف دولت است به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به موجب قانون مقرر گردیده است.»^{۳)} در نظر گرفتن چنین مسئولیتی برای دولت نتیجه منطقی حاکمیت قانون است و عدالت حکم می‌کند که هیچ قانون‌شکنی و زیانی، چه مادی و چه معنوی، بدون جبران باقی نماند.^{۴)}

از منظر حقوق بین‌الملل نیز، خسارت زیست محیطی، زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل یا در اثر بروز حوادث طبیعی، به افراد، اموال یا محیط زیست وارد می‌شود.^{۵)}

توجه به محیط زیست و حقوق مرتبط با آن مسأله‌ای نوظهور است، تا جایی که امروزه حقوق محیط زیست، از زمره حقوق اساسی و بنیادین بشر به حساب می‌آید. دغدغه حفاظت از محیط زیست، بشر را به تدوین مقررات در سطح بین‌المللی واداشته است. اهمیت محیط زیست، به حدی است که هرچند معیار تقصیر، به عنوان یک ضابطه تمام‌عیار در مسئولیت مدنی مورد توجه حقوقدانان و قانونگذاران بوده است، اما با این حال، این امر به سمت «مسئولیت محض» سوق یافته است. نظام سنتی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، در حوزه آلودگی‌های زیست محیطی جامعیت و کارایی مطلوب را ندارد؛ زیرا بسیاری از مصادیق خسارت‌های زیست محیطی با مبنای تقصیر، در اثبات با مشکلات مواجه می‌شود. در نظام حقوق اقتصادی اسلام، انفال به عنوان مهم‌ترین رهیافت محیط زیست، در تصرف دولت اسلامی است. لذا بررسی مسئولیت دولت از یک سو، با عنایت به نارسایی‌های فنی و تکنولوژیک آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، ایران به برخی از اسناد و کنوانسیونهای بین‌المللی پیوسته است و با توجه به نواقص نظام مسئولیت مدنی سنتی ضروری است که قوانین و مقررات روزآمد و متناسب با تحولات بین‌المللی در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست با تغییر مبنای مسئولیت از تقصیر به محض تدوین شود.

وجه تمایز حوادث طبیعی قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی را می‌توان در نگاه عرف نیز یافت، چرا که عرف در کشورهای مختلف، بر حسب تکرار حادثه‌ای مشخص که به تناوب تکرار می‌شود، عینیت می‌یابد، همان‌طور که حوادثی مانند سیل یا خشکسالی که همزاد اقلیم ایران است - و حتی

سابقه آن را در نوشته‌های متعدد تاریخ هزاران ساله این سرزمین می‌توان دید- را با حادثه‌ای مانند رعدوبرق یا انفجار یک کوه آتشفشان، از یک جنس نمی‌توان دانست.

با توجه به گسترش روزافزون علوم و تکنولوژی و تجربیات متعدد جهانی، مقامات و دستگاه‌های عمومی ذی‌ربط موظفند تا ضمن بهره‌گیری از این امتیازات، ضمن پیش‌بینی، با مدیریت نظام‌مند، یکپارچه، جامع و هماهنگ تلاش کنند تا از جان و مال شهروندان در هنگام وقوع به بهترین شکل ممکن محافظت کرده و از تشدید حوادث طبیعی به واسطه دخالت‌های انسانی جلوگیری کنند و در هر صورت، پس از وقوع حادثه، با بهره‌گیری موثر از امکانات و منابع مالی و قانونی در جهت کاهش آثار بلایای طبیعی، ایجاد آمادگی لازم، مقابله، امدادسانی سریع و بهبود شرایط تا رسیدن به وضعیت عادی و بازسازی تلاش کنند. لذا، دولت باید مسئولیت زیان‌های وارده به اشخاص را که به واسطه اعمال حاکمیت به وجود می‌آیند، قبول کند، زیرا قبول حاکمیت از طرف دولت یا به دست گرفتن قهری آن، خود به منزله التزام به همه آثار حقوقی ناشی از اعمال حاکمیت است و هیچ نوع قرارداد یا قاعده عرفی که دولت را در برابر موجبات ضمان معاف نماید، وجود ندارد.^۷

دولت در اجرای وظایف حاکمیتی خود مکلف به پیشگیری و مواجهه موثر با حوادث طبیعی است. به همین منظور سازمان مدیریت بحران کشور طبق قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷ تاسیس و طبق ماده ۳ همین قانون شورای عالی مدیریت بحران کشور به ریاست رئیس‌جمهور و با عضویت برخی مسئولان اجرایی ارشد نظامی و اداری کشور، وظیفه هماهنگی فعالیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای وابسته به قوای سه‌گانه، نیروهای مسلح و کلیه نهادها و دستگاه‌های کشور در مقابله با حوادث طبیعی را بر عهده دارد.

ما انسانها برای ایجاد آسایش و آرامش برای زندگی خود دست به کارها و فعالیت‌هایی می‌زنیم که باعث تخریب کره زمین و نابودی محیط زیست و اکوسیستم‌های زیستی می‌شود. انسانها با دخالت در عوامل زیستی باعث نابودی گونه‌های مهم جانوری، گیاهی و... می‌شوند و با ایجاد آلودگی، چرخه طبیعی زمین را برهم زده زمینه ایجاد مشکلات عدیده‌ای هم برای خود وهم برای زیست‌کنندگان دیگر کره زمین را بوجود می‌آورند. اهمیت حفاظت از محیط زیست بر هیچ‌کس پوشیده نیست و در اکثر کشورها این وظیفه بر عهده دولت نهاده شده است تا از آن حفاظت کنند. اما بعضی مواقع این حافظان محیط زیست با تصویب لوایح و طرح‌هایی، خود زمینه بروز آسیب جدی به این زیستگاهها را بوجود می‌آورند. حال زمانی که این مسوولین خود باعث ایجاد آسیب و آلودگی بر پیکره کره زمین هستند پس باید ملزم به جبران خسارات وارده نیز باشند. زیان دیده‌گان از این خسارات کل جامعه هستند پس زیان دیدگان می‌توانند تقاضای جبران خسارات وارده را از دولت و عاملان زیان بخواهند. سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان‌های غیر دولتی حمایت از محیط زیست

و اشخاص خصوصی و... میتوانند از طرف محیط زیست زیان دیده اقامه دعوای کنند. یک رابطه حقوقی بین زیان دیده و دولت بوجود می‌آید که با اثبات قصور و تقصیر.

از حیث مسئولیت مدنی اشخاص، بین اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی اصولاً نمی‌توان قائل به تفکیک بود و قانونگذار نیز در مواردی به مسئولیت مدنی دولت برای جبران خسارات اشخاص تصریح کرده است^{۱۳} (و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی^{۱۴}) به طور مشخص به مسئولیت مدنی دولت و کارکنانش پرداخته است.

ماده ۶ نیز تصریح دارد هزینه‌های کفن و دفن کشته‌شدگان و نیز معالجه و درمان مجروحان به عهده نهاد مسئول می‌باشد. جبران خسارت هرگونه معلولیت بدنی نیز در ماده ۵ همین قانون اشاره شده است.

ذکر این نکته نیز مهم است که مطابق ماده ۱۶ همان قانون، وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است. بنابراین بطور مثال در رابطه با حادثه سیل شیراز در صورت اثبات رابطه سببیت بین حادثه و خسارت وارده توسط دادگاه و بر اساس نظر کارشناسی، دستگاه‌های ذیربط از جمله شهرداری شیراز به دلیل احداث جاده بر روی مسیل مجاور دروازه قرآن و وزارت نیرو به عنوان متولی بستر رودخانه، هریک به تناسب درصد تقصیر، مکلف به پرداخت هزینه‌های مربوطه هستند.

مسئولیت وزارت نیرو از این جهت است که بر اساس تبصره ۳ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب؛ «ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانالهای عمومی و سیلها و مرداب و برکه‌های طبیعی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی ممنوع است مگر با اجازه وزارت نیرو». پس، مسئولیت حریم و بستر با وزارت نیرو بوده و در صورتی که این وزارتخانه اقدامات لازم را در ممانعت از تجاوز به حریم و بستر رودخانه‌ها صورت نداده باشد و ساخت و سازی صورت گرفته باشد، در این زمینه مرتکب قصور و تقصیر شده است، چه این تصرفات بدون مجوز یا با مجوز وزارت نیرو باشد، زیرا در حالت اول نیز وزارت نیرو صلاحیت اقامه دعوی و تخریب بنای معارض را داشته و کوتاهی وزارت مذکور در این رابطه، از مسئولیت آن نمی‌کاهد.

همچنین، وزارت امور اقتصادی و دارایی طبق ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران مکلف شده است که با همکاری بیمه مرکزی ایران و دستگاه‌های دیگر به گسترش بیمه حوادث برای جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی تمهیدات لازم را به انجام رساند.^{۱۵}

مبانی نظری مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در حقوق

در عالم حقوق، مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی موضوع نظریات متعددی قرار گرفته است که هر کدام مبتنی بر فلسفه خاص و ویژه خود است. این نظریات به خصوص در حقوق داخلی مبتنی بر سه دیدگاه «سستی»، «جدید» و «بینابینی» است که شامل نظریه مبتنی بر خطر، نظریه مبتنی بر تقصیر و نظریه‌های مختلط می‌گردد. قابل ذکر است که مبانی موجود در مسئولیت مدنی زیست محیطی ملهم از مبانی مطرح در باب مسئولیت مدنی است و نمی‌تواند خارج از آن باشد، منتهی در باب مباحث زیست محیطی مبنای مناسب‌تر را باید برگزید.

نظریه تقصیر (7)

این نظریه، سستی‌ترین نظریه در مسئولیت مدنی زیست محیطی است. بر این اساس خسارات زیست محیطی قابل مطالبه نیست مگر این‌که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بنابراین زیان دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۴) این نظریه که تقریباً روی کرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران و اکثر نظام‌های حقوقی، نظیر فرانسه است با مبانی و فلسفه حقوق محیط زیست فاصله دارد. مطابق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مطالبه خسارت و مسئول شناختن عامل زیان منوط به اثبات تقصیر عامل زیان است (Priour, 2004, P:921). هرچند نظریه تقصیر در برقراری در رابطه سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می‌کند ولی نمی‌تواند مبنای جامعی باشد (Uliescu, 1993: 382). در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می‌نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی بر خلاف سایر حوزه‌ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکثر آلوده‌کنندگان یا «آلوده‌کنندگان متعدد» (8) است. انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است. (بابایی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۵۳) در ادامه مباحث، این نظریه را بیشتر ارزیابی خواهیم نمود.

نظریه خطر (9)

این نظریه توسط دو حقوقدان به نام‌های ژوسران (10) و سالی (11) مطرح و توسعه یافت. نظریه خطر یا «نظریه مبتنی بر عدم تقصیر» (12) «حکایت از این امر دارد که هرکس به فعالیتی بپردازد (و از آن نفعی ببرد) محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های آن را جبران نماید. (کاتوزیان، 1371، ص ۱۴) بنابراین در خصوص مسئولیت‌های مدنی زیست محیطی بر مبنای نظریه خطر نیازی به اثبات تقصیر آلوده‌کننده نیست بلکه همین که شخصی اقدام به فعالیتی نماید که نفعی در آن داشته و منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست گردد باید از عهده خسارات وارده برآید. اعم از این که در واقع تقصیر داشته یا نداشته باشد. این نظریه به نوبه خود به «نظریه خطر نفع» (13) «و» «نظریه خطر فعالیت» (14) «تقسیم‌بندی می‌شود.

امروزه این نظریه؛ نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارت زیست‌محیطی است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد. در واقع آلوده‌کننده محیط زیست بر اساس این نظریه «مسئولیت عینی (15)» در برابر خسارات زیست‌محیطی پیدا می‌کند. این نظریه علی‌رغم این‌که مناسب برای حمایت از محیط زیست می‌نماید، از جنبه‌های متعدد اقتصادی (ریسک فعالیت) و اجتماعی (کاهش انگیزه افراد در اجتماع) نقد گردیده است. به ویژه از لحاظ محدود نمودن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر مورد انتقاد واقع شده است و در بخشی از موارد اعمال این نظریه خلاف انصاف قضایی نیز جلوه می‌نماید.

3-2-2 نظریه‌های مختلف (16)

نظریه تقصیر و خطر دو نظریه شایع با مبانی و استدلال‌های خود هستند. لکن باید به نظریات واسطی اشاره نمود که در جهت تعدیل و تعامل دو نظر قبلی ارائه گردیده است. در این نظریات نیز بعضاً یکی از دیدگاه‌های خطر و خطا تقویت گردیده است.

الف: نظریه فرض تقصیر

این نظریه در واقع تعدیل دو نظریه تقصیر و خطر است. به این معنا که، نه سختی بار اثبات نظریه تقصیر را دارد و نه آسانی نظریه خطر را. در این نظریه مبنای تقصیر با تعدیلی بنیادین پذیرفته شده است. بدین صورت که فرض بر این است که عامل ورود خسارت زیست‌محیطی مقصر است لکن باید با ارائه ادله‌ای خود را از زیر بار این مسئولیت برهاند. (محمد هیشم، ۲۰۰۴، صص ۱۱ - ۱۴) در واقع منطق درونی نظریه فرض تقصیر؛ حکایت از جابجایی مدعی و منکر دارد. یعنی در مقام اثبات تقصیر این زیان‌دیده از آلودگی یا مدعی نیست که باید تقصیر عامل را اثبات نماید بلکه این عامل ورود زیان است که باید عدم تقصیر خود را اثبات و خود را از زیر بار مسئولیت برهاند. بر این اساس در این نظریه فرض می‌شود که آسیب‌زننده به محیط زیست مقصر است، مگر این‌که با ارائه دلیل ثابت نماید که در ایجاد خسارت نقشی نداشته است. در این نظریه حمایت از محیط زیست اصل قرار گرفته است.

ب: نظریه کار نامتعارف

بر اساس این نظریه، فعل نامتعارف و غیرعادی سبب ایجاد مسئولیت برای جبران خسارات زیست‌محیطی می‌گردد. لذا اگر اقدامی متعارف و یا به اصطلاح فقهی «مباح» انجام گیرد و در اثر این اقدام خساراتی به محیط زیست وارد آید؛ شخص تنها در صورت اثبات تقصیر محکوم به جبران خسارت می‌گردد. این نظریه مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است از جمله این‌که منظور از کار

نامتعارف چیست و چه معیاری دارد؟ اگر منظور بی‌مبالاتی است در واقع این نظریه چیزی جز تکرار نظریه تقصیر نخواهد بود. در حقوق بین‌الملل این نظریه قرابت بسیاری با «نظریه خطا» دارد که بر اساس آن مسئولیت در برابر انجام اعمالی تحقق می‌پذیرد که در حقوق بین‌الملل منع گردیده است.

ج: نظریه خطر در برابر انتفاع

این نظریه، مبنای اقتصادی را برای توجیه مسئولیت برمی‌گزیند. در واقع در این نظریه، مسئولیت شخص در برابر سودجویی و انتفاع وی قرار می‌گیرد. پس هرکس سود اقدامی را می‌برد، باید زیان آن را نیز تحمل نماید. علی‌رغم انتقاداتی که بر این نظریه در سایر مسئولیت‌های مدنی از لحاظ توزیع دامنه خسارات میان عامل زیان و زیان‌دیده و همچنین بی‌طرفی آن نسبت به مسئولیت‌های بی‌تقصیر وارد شده است؛ در حیطه خسارات زیست‌محیطی و در پیوند با «اقتصاد محیط زیست» می‌تواند نقش مطلوبی را ایفا نماید. چرا که غالب فعالیت‌های منجر به تخریب محیط زیست در اثر فعالیت‌های انتفاعی حادث می‌گردد.

د: نظریه مسئولیت در برابر اشیای خطرناک

این نظریه، در جایی به کار گرفته می‌شود که از اشیای خطرناک مثل اتومبیل استفاده می‌گردد. (مازو و تنک، به نقل از کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۱۶) لذا در این نظریه تأکید بر نوع فعالیت است. این نظریه نیز نظریه‌ای حمایتی در عرصه خسارات زیست‌محیطی است. بر این اساس شخصی که از اشیای خطرناک و آسیب‌زا استفاده می‌نماید در برابر خسارات وارده به محیط زیست ضامن است. در اینجا دیگر نیازی به اثبات تقصیر نیز نخواهد بود. برای مثال تولیدکنندگان مواد شیمیایی، کارخانه‌های صنعتی آلاینده و نظایر آن بر اساس این نظریه، مسئولیت مطلق خواهند داشت. برای مثال در حقوق محیط زیست فرانسه و به استناد بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی در یک مورد مسئولیت بدون اثبات تقصیر برای عامل زیان در نظر گرفته است و آن در مورد اشیایی است که موجب ورود خسارت به غیر از قبیل ماشین‌ها و کارخانجات صنعتی است (Priour, 2004, P: 920).

ه: نظریه تضمین حق

این نظریه که توسط استارک در فرانسه ارائه گردید؛ بر خلاف طرفداران نظریه تقصیر و خطر، به جای جست‌وجوی مبنای مسئولیت مدنی در فاعل واردکننده زیان، به دنبال مبنای مسئولیت در زیان‌دیده است. تحلیل استارک تحت تأثیر مکتب اصالت فرد بیان گردیده است و بر مبنای دفاع از حق فردی است. این نظریه دیگران را موظف به تضمین احترام به امنیت، سلامتی، حیات و حقوق

دیگران می‌نماید. بر اساس این تحلیل است که استارک در جدال میان آزادی و مسئولیت مدنی حق تقدم را به آزادی می‌دهد. لذا بر مبنای این نظریه می‌توان گفت که در راستای تضمین احترام به حق سلامتی، حق حیات و حق محیط زیست افراد، اگر شخصی به محیط زیست آسیب وارد نماید، مسئول جبران خسارت است حتی اگر از وی تقصیر سر نزده باشد. زمینه‌های این نظریه را می‌توان در فقه نیز یافت. برای نمونه یکی از فقها در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های کار حکم نموده است که «اگر از مغازه آهنگری شراره‌ای پرتاب شود و لباس عابر را بسوزاند، آهنگر مسئول نیست زیرا لازمه حرفه آهنگری او پرتاب آتش است.» (مرتضی قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ش ۲۱۷) بر این مبنا می‌توان اقوال بسیاری میان فقها یافت که حق نظم‌خواهی، حق سلامتی، حق حرفه و حق امنیت عابران و نظایر آن را به رسمیت شناخته است.

نتیجه گیری

حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می‌شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با وجود این، حقوق مسوولیت مدنی نیز نسبت به ادای چنین تکلیفی بیگانه نیست. قواعد سنتی مسوولیت مدنی در پاسخگویی به خسارت‌های زیست محیطی کارآمد نیست. به همین مناسبت، پارلمان و شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ دستورالعملی درباره مسوولیت ناشی از تجاوز به محیط زیست، تصویب کرد که دولت‌ها ملزم هستند قواعد آمرانه آن را به قانون ملی خود وارد کنند. حفاظت از طبیعت و حفظ سلامت آن مورد تأکید ادیان و عقل بشری بوده و برخورداری از محیط زیست سالم از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و ایراد هرگونه خسارت بر محیط زیست لزوم جبران خسارات وارده را ایجاد می‌نماید که این امر بر عهده حوزه مسوولیت مدنی است. پرسش اساسی در این زمینه این است که مسوولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست چه ماهیتی دارد؟ و انتخاب ماهیت صحیح چه تأثیری بر اتخاذ مبنای صحیح مسوولیت مدنی برای جبران خسارات زیست محیطی و آثار آن در پی دارد؟ هدف اصلی در طراحی دستورالعمل، پیشگیری و جبران خسارت‌های زیست محیطی با رعایت «اصل آلوده کننده باید بپردازد»، است.

۱. در برخی از منابع، این حوادث، بلایای طبیعی یا زیست محیطی نامیده می‌شود. نویسنده بنا به دلایل متعددی که جای آن در این متن نیست، تاکید بر واژه حوادث دارد.
۲. بیرویدیان، نادر. (۱۳۸۵). «مدیریت بحران». مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۳. زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). «مسئولیت مدنی دولت؛ قواعد عمومی». ج ۱. تهران: انتشارات میزان. ص ۴۳.
۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). «حقوق اداری تطبیقی». تهران: انتشارات سمت. چ دوم. ص ۶۲.
۵. زمانی، سیدقاسم. (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست». مجله پژوهش‌های حقوقی. ش اول. صص ۲۷-۵۸.
۶. در این رابطه نک: السان، مصطفی. ۱۳۸۷ «نظریه مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی». پژوهش حقوق و سیاست. سال دهم. شماره ۲۴.
۷. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۹). «نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری». تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص ۳۹۰-۳۹۲.
۸. امامی، سیدحسن. (۱۳۸۵). «حقوق مدنی». نسخه ۱. جلد ۲۶. تهران: انتشارات اسلامیه. ص ۶۲.
۹. هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.
۱۰. زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۹). «مسئولیت مدنی دولت؛ قواعد عمومی». ج ۲. تهران: انتشارات میزان. ص ۱۷۴.
۱۱. ماده ۷: چنانچه در مرحله مقابله با بحران، هریک از مسئولان و کارکنان موضوع ماده (۶) آیین‌نامه، با تشخیص رئیس سازمان، استاندار و یا فرماندار در انجام وظایف محوله تقصیر یا قصور داشته باشند، مدیر ارشد دستگاه دولتی ذیربط موظف است با رعایت ضوابط موضوع بند «۱۴» ماده (۸) قانون بلافاصله فرد دیگری را مامور انجام وظایف مربوط نماید.
۱۲. اصل یکصد و بیست و نهم قانون اساسی: برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

۱۳. در این رابطه می‌توان به اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی که به مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضائی اشاره کرده و یا تبصره ماده ۱۴۵، ماده ۲۵۵ و ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد.

۱۴. کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند. ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

۱۵. ماده ۳۲: وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است با هماهنگی سازمان و با همکاری بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های مرتبط نسبت به گسترش بیمه حوادث در بخش‌های مختلف با اولویت در حوادث محتمل (سیل، زلزله، آفات، و امراض کشاورزی و دامی، سرمازدگی، خشکسالی و مانند آن) اقدام نماید.

۱۶. مشهدی، علی. (۱۳۹۰). «مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا». فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی. صص ۷۳ - ۵۷.

۱۷. در این رابطه نک؛ پروین، فرهاد و ناصر نصرتی صدقیانی. (۱۳۹۰). (تحلیلی از مسئولیت مندرج در ماده ۱۳۲ قانون مدنی و تاملی بر تخصیص یا عدم تخصیص آن). فقه و حقوق اسلامی. صص ۳۳-۵۵.